



سحرطلوعی

### رمضان در جهان – مالزی

## افطار به خیابان عبدالرحمان بیا!

رمضان برپاست؛ بازاری مملو از غذا و طعم و بو، شلوغ و پررفت‌وآمد. مالزی کشوری با بیش از ۶۰ درصد جمعیت مسلمان است. به همین دلیل، آداب و رسوم مسلمانان این کشور بیش از دیگر گروه‌های جمعیتی به چشم می‌آید و دیده می‌شود.

به محض اذان مغرب و فرارسیدن موسم افطار، انواع بوه‌ها و رنگ‌های خوراکی‌ها در خیابان عبدالرحمان در هم می‌پیچند تا از مشتری‌ها دل ببرند و آنها را وادار کنند از هرکدام از دسرها و غذاها بچشند و مقداری بخرند. مرغ، ماهی، میگو و گوشت‌کیابی، رندانگ (بشقاب گوشت پخته‌شده در شیر نارگیل با چاشنی کاری) و کتوبات (کیک‌رنجی که درون ساقه‌های نخل بسته‌بندی‌شده) و … انواع دسرها ازجمله سندول (مخلوطی از شیر نارگیل، تکه‌های بخ، شیره خرما و رشته‌فرنگی ژله‌ای) و پن‌کیک، پای همیشگی سفره افطار مالزیایی‌هاست. نکته شایان تامل در بازار رمضان، قیمت ارزان غذاهاست. به‌طور معمول غذا

صف طولانی و بیج‌دریج مقابل مسجد کامپونگ‌باروی کوالالامپور یعنی ماه رمضان و موعد افطار فرارسیده است. روزه‌داران در صف پریچ‌وخم مقابل این مسجد منتظر یک کاسه فرنی هستند. فرنی‌ای که به‌صورت دسته‌جمعی تهیه و آماده و رایگان میان روزه‌داران فقیر و غنی و از همه قشری توزیع می‌شود. اغلب گردشگرانی که در ماه رمضان به کوالالامپور سفر می‌کنند، فرنی این مسجد را امتحان کرده‌اند.

یکی از سنت‌های مالزیایی‌ها برای افطار ماه مبارک، پخت و پخش فرنی معروف به بوبورلامبوک است؛ غذایی تهیه‌شده از آردبرنج، گوشت چرخ‌کرده، میگوی خشک و مزه‌دارشده با ادویه‌جاتی مثل پودر میخک، چوب دارچین، زیره و… اما بوبورلامبوک تنها شاخصه افطار ماه رمضان مالزی نیست. برای افطار باید سری زد به خیابان عبدالرحمن و مغازه‌ها و دست‌فروش‌هایی را که با چرخ‌های طحافی خوراکی‌های رنگارنگ به روزه‌داران می‌فروشند. تجربه کرد؛ آنجا بازار

شرق؛ «کلارا رایسی» در کتاب «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنها»

می‌گوید: «ضمن کارهای مربوط به داخل خانه، بافتن و پشم‌ریسی، پختن نان، تهیه لبنیات و… به عهده آنان بود. زنان وابسته به طبقات پایین بنا به نوع تولیدات منطقه زیستی خویش در کارگاه‌های خانوادگی مشغول کار بودند و از این طریق به اقتصاد بی‌جان خانواده کمک می‌کردند». همچنین اضافه می‌کند: «هیچ‌گونه قانونی برای کار وجود ندارد. کارگران مزد بسیار ناچیزی می‌گیرند لذا زنان بسیاری باید به کسب معاش خود بپردازند و آنچه را به اجبار به آنها می‌دهند، دریافت و تحمل‌کنند». ورود زنان به بازار کار و صنعت و اشتغال در ایران یک قرن بعد از حضور گسترده زنان غربی بود، زیرا ورود فناوری به ایران با این فاصله صورت گرفت. البته سیر صعودی اشتغال زنان در ایران به‌کندی و آهسته‌ست پیش می‌رفت زیرا شرایط برای تولید انبوه که با ساخت و بارود فناوری ارتباط مستقیم دارد، تا مدت‌ها مهیا نبوده و بازار کار ظرفیت جذب نیروی کار زنان بیشتری نداشت. تحولات کُند و آهسته اقتصادی، توأم با ریشه‌های تناور

# اشتغال، حلقه مفقودمانده اشتراکات اجتماعی زنان

سنتی که همواره در ایران روند ضد اشتغال زنان را طی کرده است، زن را از بازار کار دور نگه داشته‌اند و در مراحلی که زن به‌طورجدی در بازار کار جلوه‌گر شده و جمعی از مدیران به افزایش حضور او تاکید ورزیده‌اند، ناگهان سدها و موانع سنتی و حقوقی به شکل‌ها و صورت‌های خاص بر سر راهش قرار گرفته و گاهی او را تا قهقرا پس رانده‌اند. در ایران، گرایش زنان به اشتغال همکام با دسترسی بیشتر آنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در طی مدت به نسبت کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت؛ اما ازآنجاکه این امر با شتاب‌زدگی در میان برخی از گروه‌ها مطرح شد، درعین‌حال شرایط اجتماعی – فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشت.بنابراین وقتی از زنان صحبت می‌کنیم، یکی از مهم‌ترین ابعاد مغفول‌مانده در ساخت زندگی اجتماعی آنها موضوع اشتغال و نقشی است که در چرخه اقتصادی کشور دارند؛ اما آمار در ایران چندان تعریف خوبی از وضعیت اشتغال زنان ندارد. از هر سه شاغلی که در سال ۹۹ شغل خود را ازدست داده



شهروندان بازی می‌کنند، سفره‌های رنگین از غذاها و میوه‌ها و شیرینی‌ها می‌اندازند و بسته‌هایی کوچک از پول هم تدارک می‌بینند تا میان نیازمندان تقسیم کنند.



● عکس:عباس، کوثری/شرق

در سطوح تحصیلی دیلم یا پیش‌دانشگاهی و راهنمایی یا متوسطه قرار داشته‌اند. با اینکه زنان در بیشتر گروه‌های فعالیت سهم بسیار پایین‌تری نسبت به مردان داشته‌اند، برخی گروه‌ها بوده‌اند که زنان به نسبت نقش پررنگ‌تری در آنها بازی کرده‌اند، مانند «آموزش»، «فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی» و «هنر، سرگرمی و تفریح». در سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۳۹۸، بیشترین رشد تعداد زنان شاغل مربوط به فعالیت‌های مرتبط با «سلامت انسان و مددکاری اجتماعی» بوده است.

بالتری از زنان قرار داشته است. بیشترین شکاف جنسیتی در نرخ مشارکت به سه استان‌های مرکزی، بوشهر و فارس اختصاص داشته است. درحالی‌که نرخ بی‌کاری کل زنان، حدود ۱۵.۶ درصد بوده، این نرخ برای زنان با تحصیلات دانشگاهی بالای ۲۰ درصد بوده است. از هر سه زن تحصیل‌کرده در رشته کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری و دامپزشکی و همچنین رشته مهندسی، ساخت و تولید، یک نفر بی‌کار بوده است. بیش از نیمی از زنان بی‌کار تحصیلات کارشناسی داشته‌اند. این در حالی است که بیشترین مردان بی‌کار

### یادداشتی به بهانه چهارم آوریل، روز بین‌المللی آگاه‌سازی از خطرات مین

## حق قربانیان مین بر دسترسی به خدمات سلامت

شایطین خفته دیگری در دیارشان و نگرانی از امنیت کودکان‌شان مسئله بفرنج دیگری است که باید از سوی نهادهای ذی‌صلاح مورد توجه قرار گیرد. اعزام تیم‌های مشاوره و متخصص در روزهای پس از حادثه به منطقه می‌تواند تا حدودی از نگرانی‌ها و اضطراب‌های قربانیان مین- خانواده‌های آنان و ساکنان محلی بکاهد. حق بر سلامت به‌عنوان یکی از حقوق اجتماعی بشر در بسیاری از اسناد عام و خاص جهانی و منطقه‌ای شناسایی شده است. میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر احترام، حفاظت و ایفای حق بر سلامت به‌عنوان یکی از تعهدات اساسی دولت‌های عضو تاکید دارد. در کنار معاهده عام یادشده، کنوانسیون حمایت از حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ به‌عنوان یک معاهده الزام‌آور خاص جهانی در زمینه حفظ سلامت کودکان مورد توجه است. اسنادی که به‌عنوان مجموعه مقررات الزام‌آور به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسیده است؛ بنابراین براساس ماده ۹ قانون مدنی و اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی برای دولت ایران نیز ایجاد تعهد می‌کند. یکی از مؤلفه‌های امنیت انسانی، امنیت بهداشتی است. مسائل مربوط به امنیت بهداشتی قربانیان مین هم از منظر سلامت جسمانی و هم از منظر سلامت روانی مورد توجه است. مصدومان ناشی از برخورد با مین علاوه بر مراقبت‌های پزشکی و دارویی نیازمند حمایت‌های روانی برای توانمندسازی آنان و بازگشت به جامعه هستند. همان‌طورکه اشاره شد، علاوه بر قربانیان مستقیم مین خانواده‌های آنان نیز بزهدیدگان حادثه محسوب می‌شوند. خانواده‌هایی که باید نگران آینده قربانی خویش که اغلب کودکان هستند، باشند. ترس از بار اقتصادی تأمین هزینه‌های مختلف (به‌ویژه هزینه‌های پزشکی و دارویی) و ترس و نگرانی از حمایت از قربانیان خویش در جامعه موجب تهدید امنیت نه‌تنها قربانیان مین بلکه خانواده‌های آنان را نیز فراهم خواهد ساخت. از این رو، حمایت‌های درمانی و روانی فوری از قربانیان به‌خصوص پس از حادثه نقش مهمی در بازگشت مجروحان ناشی از انفجار مین و خانواده‌های آنان و ساکنان محلی به زندگی خواهد داشت. نباید منتظر ماند تا بپرورنده‌های قربانیان در مراجع صلاحیت‌دار جهت تحت پوشش قرارگفتن آنان به نتیجه برسد و بعد از سال‌ها به کمک این قربانیان شفاقت که این کمک‌های احتمالی نوشاداری پس از مرگ سهراب خواهد بود؛ چراکه روند تحت پوشش قرارگرفتن قربانیان توسط نهادهای ذی‌صلاح با ضعف در قوانین مربوطه و فرآیندهای پیچیده و دشوار بوروکراسی موضوع، حکایت دیگری است که آسیب‌دیدگان حادثه با آن مواجه‌اند که متأسفانه در این راه نیز تعداد اندکی از قربانیان موفق به احقاق حق خویش خواهند شد و آن دسته از قربانیانی هم که بتوانند مراحل سخت و پیچیده جهت بهره‌مندی از حمایت‌های لازم را طی کنند، صرفاً ابعاد مادی حمایتی از آنان مورد توجه است و حمایت‌های روانی در درجه به‌مراتب کم‌اهمیت‌تری قرار می‌گیرد.

## تجمع والدین در شیراز در مخالفت با حضوری شدن مدارس

کلاس حضوری نبوده، خواستار ادامه کلاس‌ها به‌صورت مجازی هستیم و بر همین اساس از آموزش و پرورش تقاضای همکاری داریم. بعد از تعطیلات نوروز، الان چهار روز است که فرزندان ما از تحصیل محروم هستند و درخواست داریم هرچه سریع‌تر آموزش مجازی از سر گرفته شود تا دانش‌آموزان دچار مشکلات بعدی نشوند. ما بعد از نوروز فرزندانمان را به مدرسه نفرستاده‌ایم و در این یک ماه پایانی سال هم تحت هیچ شرایطی حاضر نیستیم ریسک کنیم. این شهروند شیرازی ادامه داد: در روزهای اخیر قابل صوتی یکی از مسئولین آموزش و پرورش شیراز در گروه‌های رسمی مدارس منتشر شده که با ادبیاتی بسیار نامناسب و تحکم‌آمیز اعلام می‌کند والدین باید با تصمیمات در‌خصوص حضوری شدن مدارس همراهی کنند. من می‌خواهم به ایشان و مسئولان آموزش و پرورش بگویم این «باید» از کجا آمده؟ این چه نوع ادبیاتی است؟ نه مدرسه یادگان است، نه دانش‌آموز سرباز و نه مسئولان آموزش و پرورش فرمانده هستند و نه عرصه آموزش، میدان جنگ است.



ناصر سرگران

وکیل دادگستری و مدرس حقوق بین‌الملل

جنگ هشت‌ساله عراق و ایران آثار زیان‌بار فراوانی مانند سیر جنگ‌های خاتمان سوزز دیگر بر جای گذاشته است که به فراخور موضوع درمورد آن سخن‌ها رانده شده و قلم‌ها زده شده است. ۴۲ سال از آغاز نبرد تمام‌عیار نظامی می‌گذرد. همواره محققان و پژوهشگران از پایان جنگ ناکنونی می‌گویند؛ اما زمانی که صدای انفجار شایطین خفته در خاک و مواد و مهمات باقی‌مانده از دوران جنگ به گوش می‌رسد، باید گفت: نه ۳۴ سال از پایان جنگ می‌گذرد؛ بلکه ۴۲ سال است که جنگ آغاز و همچنان ادامه دارد. بی شک سکانس پایانی این جنگ زمانی خواهد بود که آخرین مین باقی‌مانده در خاک آخرین قربانی خویش را در جنگی نابرابر به نبرد بطلبد. نظر به کوچ مین‌ها به‌ویژه در مناطق کوهستانی به علت عوامل طبیعی مانند سیل و فقدان یا عدم دسترسی به نقشه مین‌های کار گذاشته‌شده، بی‌شک هیچ پژوهشگری در زمینه جنگ‌ها نمی‌تواند ادعا کند سکانس پایانی جنگ چه زمانی، کجا و علیه چه کسانی خواهد بود. اما مسئله‌ای که نگارنده بر آن تاکید دارد، آثار و تبعات ناشی از انفجار مین‌ها بر قربانیان خویش و خانواده‌های آنان است. قربانیان شایطین خفته در خاک اغلب کسانی هستند که به دلیل شرایط سخت اقتصادی و فقدان آگاهی درباره مواجهه با آثار به‌ویژه روانی پس از حادثه رنج دوجندانی را متحمل می‌شوند. رنج و درد فیزیکی ناشی از انفجار مین بر تن مصدومان مین ماندگار است؛ اما علاوه‌براین مشکلات روانی موضوع که به‌مراتب بیش از آثار فیزیکی حادثه است، نه‌تنها قربانیان مستقیم مین را می‌گیرد بلکه خانواده‌های آنان نیز باید فشار روانی برای تأمین هزینه‌های درمانی قربانیان خویش را متحمل شوند. با انفجار هر مین زندگی مصدومان یا خانواده‌های آنان گام در دنیای جدید و ناشناخته‌ای می‌گذارد. کودکانی که تا دیروز نان‌آور خانواده بودند؛ اما امروز باید نگران تأمین هزینه‌های درمانی خویش باشند. کودکانی که تا دیروز شاد و خرم با دویای کودکانه در کوچ‌پس‌کوجهای روستای‌شان و در دشت و دمن می‌دویدند؛ اما امروز نه خبری از پا و نه خبری از حرکت و شادابی دیروز است. در چنین فضای ناخوشایندی است که دسترسی به خدمات سلامت (چه جسمی و چه روانی) ضرورت و اهمیت خود را بیش از سایر وضعیت‌های آسیب‌زا نشان می‌دهد. علاوه بر قربانیان مستقیم مین‌ها و خانواده‌های آنان، ترس و اضطراب ساکنان محلی از وجود احتمالی

@vahdatiha
charityvahdat.ir



# رمضان آمسال میزبان ما باش

## و مهربانی را نذر این خانه کن

نذر خود را به صورت مواد غذایی خشک یا صرف هزینه کمتر  
به دختران معلول ذهنی وحدت اختصاص دهید

# وحدت

مرکز خیریه نگهداری از دختران معلول ذهنی

کدمهربانی: #۹۸۹۸۹۸\*۴\*۷۳۳\*

حساب تجارت: ۳۶۹۲۶۳۱۷

کارت تجارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶



دسترسی ها:

- پاسداران، خیابان شهید اخوان(بوستان دوم)، خیابان شهید افشاری (ساقدوش)، بعد از متروی زین الدین، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۱۱
- میدان هروی، گلستان پنجم، خیابان مجید افشاری (ساقدوش)، کوچه بوستان دهم شرقی، پلاک ۱۱

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲-۰۱۴۰۲۲۹۴۷۰